

ORIGINAL ARTICLE

Conceptualization of Freedom and Social Justice in the Holy Quran and Liberalism with a Critical Discourse Analysis Approach of Foucault

Behzad Moridi

Assistant Professor, Department of Linguistics and Foreign Languages, Payame Noor University, Tehran, Iran.

Correspondence:
Behzad Moridi
Email: behzadmoridi@pnu.ac.ir

Received: 22 Apr 2024
Accepted: 02 Jul 2025

How to cite

Moridi, B. (2025). Conceptualization of Freedom and Social Justice in the Holy Quran and Liberalism with a Critical Discourse Analysis Approach of Foucault. *Journal of Qur'anic Interpretation and Language*, 13(2), 31-44. (DOI:10.30473/quran.2026.71084.3373)

ABSTRACT

Concepts in any language are a representation of the thought system and are related to meta-linguistic elements and reflect the context with heterogeneous social, political and cultural strains and are a sign of the interconnectedness and interaction of the linguistic and non-linguistic systems. Meanwhile, the ideal concepts of freedom and social justice, benefiting from a special position in social life, have different interpretations in many discourse systems. This study, with the method of critical discourse analysis as one of the interdisciplinary theories in linguistics, seeks to establish what and how the relationship between social justice and freedom is in the discourse of the Holy Quran and the system of liberalism, and to explain the evolution of this discourse. is in the possibility or non-realization of these two concepts in bio-social. The heterogeneity of perceptions and the approach of discourses about the link between freedom and social justice is one of the findings of this research. Therefore, the liberal discourse has voted for the priority of freedom over social justice, but the Holy Qur'an has accepted these concepts as valid in the social arena.

KEYWORDS

critical discourse analysis, social justice, Farklaf, Holy Quran, Liberalism.

«مقاله پژوهشی»

مفهوم‌شناسی آزادی و عدالت اجتماعی در قرآن کریم و لیبرالیسم با رهیافت گفتمان انتقادی فرکلاف

بهزاد مریدی

استادیار گروه زبان‌شناسی و زبان‌های خارجی، دانشگاه پیام
نور، تهران، ایران.

نویسنده مسئول:

بهزاد مریدی

رایانامه: behzadmoridi@pnu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۱۱

استناد به این مقاله:

مریدی، بهزاد. مفهوم‌شناسی آزادی و عدالت
اجتماعی در قرآن کریم و لیبرالیسم با رهیافت
گفتمان انتقادی فرکلاف. پژوهشنامه تفسیر و
زبان قرآن، ۱۳(۲)، ۳۱-۴۴.

(DOI:10.30473/quran.2026.71084.3373)

چکیده

مفاهیم در هر زبانی بازنمونی از نظام اندیشه‌ای و همبسته به عناصر فرازبانی و بازتاب‌دهنده بافتار با
سویه‌های ناهمسان اجتماعی، سیاسی و فرهنگی است و نشان از هم‌پیوندی و همکنشی نظام زبانی و
غیرزبانی است. در این میان مفاهیم آرمانی آزادی و عدالت اجتماعی با بهره‌مندی از جایگاه ویژه در زیست
اجتماعی، دارای برداشت‌ها ناهمسان در نظام گفتمانی متعدد است. این پژوهش با روش تحلیل گفتمان
انتقادی به عنوان یکی از نظریه‌های میان‌رشته‌ای در زبان‌شناسی، در پی صورت‌بندی چستی و چگونگی
رابطه عدالت اجتماعی و آزادی در گفتمان قرآن کریم و نظام لیبرالیسم و تبیین روی‌آوری این گفتمان‌ها
در امکان یا عدم تحقق توأمان این دو مفهوم در زیست اجتماعی است. ناهمسانی برداشت‌ها و روی‌آوری
گفتمان‌ها درباره پیوند میان آزادی و عدالت اجتماعی، از یافته‌های جستار حاضر است. بر این اساس
گفتمان لیبرال رأی به اولویت آزادی به عدالت اجتماعی داده اما قرآن کریم همکنشی، با هم‌آیی و
هم‌حضور این مفاهیم را در عرصه اجتماعی روا دانسته است.

واژه‌های کلیدی

تحلیل گفتمان انتقادی، عدالت اجتماعی، فرکلاف، قرآن کریم، لیبرالیسم.

۱. مقدمه

زبان گونه‌ای از کارکردهای زیست آدمی در صورت‌های ناهمسان فردی و اجتماعی و بازتاب‌دهنده عناصر فرازبانی است و پیوند میان متن و جهان خارج و همکنشی میان آنها، طبیعی، ارگانیکی و مستقیم می‌باشد (ابومحوب، ۱۳۸۷: ۱۹-۱۸). تحلیل گفتمان انتقادی^۱ به عنوان گونه‌ای از گفتمان^۲، تولید، فهم، خوانش و تحلیل متون را هم‌پیوند با عوامل بافت خرد و کلان اعم از مسائل فلسفی، تاریخی، سیاسی، جامعه‌شناختی، ایدئولوژیکی و گفتمان وابسته می‌داند. در دوران کنونی به دلیل تکیه نظری و عملی روشنگری در غرب و به دنبال آن در دیگر کشورها از جمله مسلمانان، مفاهیم آزادی و عدالت اجتماعی در شکل نوین مفهومی و زبانی بازنمون یافت. نگرش نوین زبانی همبسته به نوع تحول در جامعه انسانی بود که با واقع شدن در نظام گفتمانی جدید با بنیان‌های انسان‌شناسی و معرفتی متفاوت در پی ایجاد قواعد اجتماعی ویژه برای تأمین نیازها و خواسته‌های آدمیان شد. از این رو تعابیر عدالت اجتماعی و آزادی به عنوان ساختار بنیادین جامعه بوده که به دنبال سامان‌دهی نهادهای اجتماعی^۳ نقش‌آفرینی کرد. نابرابری‌ها در کسب مطلوب‌های فردی-اجتماعی با توجه به شباهت‌های استعدادها، طرح تعابیر یادگشته را به عنوان مطلوب جمعی اجتماعی ساخت. البته تفاوت‌های بنیادین گفتمان‌ها زمینه برداشت‌های ناهمسان را فراهم کرد. در ادامه مفاهیم عدالت و آزادی در گفتمان‌های ناهمسان از جهت باهم‌آیی یا تقدم و تأخر، هریک دارای رهیافت‌های متفاوت هستند. براساس اعلامیه جهانی حقوق بشر^۴ «تمام افراد، آزاد به دنیا می‌آیند و از لحاظ حقوق با هم برابرند.» (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۶۱: ۲۳۹-۲۴۲) که به نظر می‌رسد آزادی را مقدم بر عدالت اجتماعی دانسته است. بر این پایه قواعد و مناسبات اجتماعی با حضور

آزادانه آدمیان سامان یافته و در پی آن برابری همه افراد انسانی در برابر آن قواعد به عنوان عدالت اجتماعی تلقی شد. مفهوم برابری از مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده عدالت اجتماعی است و افراد را در زیست اجتماعی در بهره‌مندی از فرصت‌ها و امکانات در جایگاه برابر قرار می‌دهد. البته این مؤلفه با لحاظ شایستگی‌ها و قابلیت‌های افراد هرچند در بهره‌مندی از امکانات فرصت برابری می‌دهد ولی آنها را در بهره‌وری ناهمسان می‌کند. آزادی در این رهیافت به افراد حق^۵ و اختیار انجام هر کاری می‌دهد ولی این امکان به شرط عدالت است که تأثیر آن به دیگری نرسد و تنگنایی زیست اجتماعی و محدودیت‌های آزادی‌های دیگر افراد جامعه را فراهم نسازد. بنابراین آزادی در این شیوه‌ای از زیست اجتماعی است که آدمی در تنظیم، اجرا و نظارت قواعد اجتماعی و بهره‌مند از آن امکانات در موقعیت برابر قرار دارند.

با توجه به این گفته‌ها، پرسش اصلی این پژوهش چنین صورت‌بندی می‌شود: برداشت‌ها از واژگان آزادی و عدالت اجتماعی در گفتمان قرآن کریم و لیبرال با رهیافت گفتمان انتقادی چیست؟ پرسش فرعی؛ هم‌پیوندی این مفاهیم در گستره بافتار موقعیتی و اجتماعی در دو گفتمان چگونه است؟ باهم‌آیی مفاهیم یادگشته یا غیر آن در گفتمان‌ها با شیوه تبیینی چگونه است؟ این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی و مبانی تحلیل گفتمان انتقادی مفاهیم آزادی و عدالت اجتماعی در دو گفتمان قرآن کریم با دال مرکزی توحیدی و لیبرال با دال مرکزی انسان‌شناسی ویژه بررسی کرد. برای بازخوانش تفاوت‌های برداشتی و باهم‌آیی یا گسست میان مفاهیم و اولویت‌بخشی هریک در گفتمان‌ها و بازتاب آن در رویداد زبانی از مؤلفه تبیین استفاده شد. همکنشی مفاهیم زبانی و موقعیت اجتماعی به عنوان مؤلفه چرایی هم‌پیوندی یا ترجیح هریک از مفاهیم آزادی و عدالت اجتماعی به عنوان فرضیه این جستار است.

۲- پیشینه و ضرورت پژوهش

مبانی این جستار برپایه تحلیل گفتمان انتقادی بوده که پیشینه آن معطوف به غرب است. مهم‌ترین نوشتار در این حوزه از فاوئر و دیگران (۱۹۷۹) با عنوان زبان و کنترل، فرکلاف (۱۹۸۹) زبان و

1. Critical Analysisist Discourse

۲. discourse / گفتمان مجموعه‌ای از گزاره‌ها که یک مفهوم کلی را دربر می‌گیرد یا در درون هر متن مجموعه‌ای از عناصر وجود دارند (نشانه‌های زبانی و فرازبانی) که در پیوند با هم کلیتی را می‌سازند که بدان متن یا گفتمان می‌گویند. (تاجیک، ۱۳۸۳: ۲۱) به تعبیری زبان ورای جمله و عبارت می‌باشد (Jaworski, & Coupland, 1999: P.1)

۳. واژه نهاد، نظامی عمومی از قواعدی است که جایگاه‌ها و مناصب دولتی، همراه با حقوق و تکالیف، اختیارات و مصونیت‌های آنها و مواردی از این دست را تعریف می‌کند (راولز، ۱۳۸۷: ۱۰۲).

۴. پیمان بین‌المللی که در مجمع عمومی سازمان ملل متحد در تاریخ ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ در پاریس به تصویب رسید.

۵. حق قدرتی متکی به قانون بوده و افراد از جهت قانونی از آن امتیاز اجتماعی بهره داشته و می‌تواند آن را برگیرد و یا از گرفتن دیگران مانع شود (موحد و رستمی، ۱۳۸۸: ۴۴؛ کاتوزیان، ۱۳۸۸: ۳۷/۱).

۳-۱. مفهوم‌شناسی تحلیل گفتمان انتقادی

تحلیل گفتمان انتقادی نظریه‌ای زبان‌شناسی از نورمن فرکلاف^۲ در سال (۱۹۸۹) است که درباره کنش، گفتار یا کاربرد زبان می‌باشد (Fairclough, 1992: p2). این دیدگاه به جایگاه زبان در روابط اجتماعی از لحاظ قدرت و ایدئولوژی^۳ و تأثیر اشکال زبانی در فرآیند تغییر اجتماعی است که با مباحث زبان‌شناسی (نشانه‌شناسی) تأویل‌گرا، هرمنوتیک گادامر (تاریخ‌مندی فهم)، تبارشناسی و دیرینه‌شناسی میشل فوکو هم‌پیوند است. بر این اساس گفتمان در قالب نظریه زبان‌شناسی، مجموعه قواعد، ضوابط و معانی در قالب نظام ساختارمند معرفتی در یک زمینه زبانی است که بر تمام جوانب حیات اجتماعی اثر گذاشته و افراد با میانجی آن جهان را فهم و روایت می‌کنند (مک‌دانل، ۱۳۸۰: ۶۹). عناصر قدرت و ایدئولوژی از مؤلفه گفتمانی به شمار می‌رود که افراد و جوامع با آن زاویه با یکدیگر هم‌کنشی دارند و آن را در قالب زبانی بازنمایی^۴ می‌کنند. در این جهت گفتمان شیوه ویژه سخن گفتن و انعکاس‌دهنده روش اندیشه خاص است که برخاسته از ایدئولوژی ویژه می‌باشد که کارکرد آن تولید قدرت و ایجاد ایدئولوژی در جامعه است (johnstone, 2008, p2). تحلیل گفتمان از روش‌های کاربردی پژوهش زبانی به شمار می‌آید که به عناصر زبانی و فرازبانی^۵ در تولید متن می‌پردازد تا انگیزه‌های ایجاد متن و ارتباط متن با کارکردهای فکری و اجتماعی آن را دریابد (یارمحمدی، ۱۳۸۳: ۱۴۳). تحلیل انتقادی گفتمان با تأثیرپذیری از آراء و اندیشه فوکو^۶ و آلتوسر^۷ در تولید و بازتولید جامعه و ساخت روابط قدرت در بافت اجتماعی و انتقال آن در زبان ایجاد شد. نورمن فرکلاف با تأکید بر متن به عنوان یک کنش اجتماعی و توجه بر مؤلفه قدرت و ایدئولوژی (به عنوان توجیه‌گر قدرت نابرابر و نامتقارن است)، پیش‌فرض‌های ایدئولوژیک، سلطه، نابرابری گفتمان‌ها در دوره زمانی ویژه به عنوان عناصر فرازبانی و هم‌کنشی با زبان است (بای، ۱۳۹۲: ۳۳-۳۵؛ فرکلاف، ۱۳۷۹: ۱۹-۲۴؛ Fairclough, 1996: 43). پسوند انتقاد در این روش به معنی نقد به دنبال تجزیه و تحلیل متون هست (بلور، ۱۳۹۰: ۱۳) و با هدف

قدرت، رپچادسون (۲۰۰۷) کتاب تجزیه تحلیل روزنامه‌ها (رویکردی از تحلیل گفتمان انتقادی) و وان دایک (۲۰۰۱) در جستار تحلیل گفتمان انتقادی می‌باشد. هرچند پژوهشگران فارسی همانند یارمحمدی در سال‌های (۱۳۸۵-۱۳۸۷) و آقاگل‌زاده (۱۳۸۳، ۱۳۸۵، ۱۳۸۹) به آن پرداختند. سویه دیگر پژوهش بررسی چستی و چگونگی کارکرد تعبیر آزادی و عدالت اجتماعی در زیست اجتماعی آدمی برای تأمین نیازها و خواسته‌های ناهمسان افراد است. در این میان نوشته «عدالت اجتماعی» از محمود اصغری (۱۳۸۴: ش ۵۵) به اختلاف‌ها در برداشت دینی و اندیشه‌های مدرن از عدالت و عدالت اقتصادی موردنظر اسلام اشاره کرد. جستار «بررسی رابطه تکمیلی میان آزادی و عدالت اجتماعی با تأکید بر قرآن کریم» از بتول ملاشفیعی و دیگران (۱۳۹۶: ۶-۳۰) رابطه‌ای میان عدالت اجتماعی و آزادی از منظر قرآن را بررسی کرد. نوشته «عدالت اجتماعی در نهج‌البلاغه» از قربان علمی (۱۳۹۵: ۵۷-۹۰) عدالت اجتماعی در گفتار و اعمال امام علی (ع) را بررسی کرد. مقاله «بازخوانی عدالت اجتماعی در ارتباطات میان فردی از منظر نهج‌البلاغه» داود رحیمی سجاسی و دیگران (۱۳۹۶: ۳۱-۵۸) عدالت اجتماعی ناظر به روابط میان افراد جامعه در گفتمان اسلام با تکیه بر نهج‌البلاغه را بازخوانی کرد. به هر روی نوشتار درباره آزادی و عدالت اجتماعی و روی‌آوری امام علی (ع) به آن، به صورت انفرادی یا ترکیبی با روش‌ها و مبانی متفاوت از سوی نویسندگان انجام گرفت. اما نوشتاری با شیوه پیش‌گفته با رهیافت تحلیل گفتمانی^۱ به بودگی پیوند این دو مفهوم آرمانی در زیست اجتماعی یا تبیین ارتباط متن با کارکردهای فکری-اجتماعی و چگونگی این پیوند انجام نشده است.

۳-۲. مفهوم‌شناسی

برای دریافت چستی و پیوند یا ناپیوندی عدالت و آزادی در زیست اجتماعی و مفصل‌بندی این مفاهیم با هسته یا دال مرکزی گفتمان‌ها در آغاز مفاهیم تحلیل گفتمان انتقادی، آزادی و عدالت اجتماعی، برداشت‌های ناهمسان و سپس باهم‌آیی یا غیر آن در دو گفتمان قرآن و لیبرال پرداخته می‌شود.

2. Norman Fairclough

۳. ایدئولوژی سامانه‌ای از ارزش‌ها و باورها که زبان متن آن را ایجاد کرده و افراد روابطشان را در زیست اجتماعی برپایه آن سامان می‌دهند (آقاگل‌زاده، ۱۳۸۵: ۱۲۴).

4. representation

5. Extra – textual – real

6. Paul Michel Foucault

7. Louis Pierre Althusser

1. Analysis Discourse

زیست فردی و اجتماعی دارد که براساس آن مقوله‌های آزادی و عدالت با برداشت معنایی ویژه با تأکید بر گفتمان‌سازی مفصل‌بندی شدند. البته در این رهیافت بافت موقعیت، نقش موقعیت و مقتضای حال اثر برای دستیابی به ساختار و جان‌مایه متن مهم دانسته شد (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۲۲۳-۲۲۵). ارتباط بینامتنی گفتمان‌ها با موقعیت‌ها و عناصر فرامتنی به منظور نقد، رد و انکار که با سویه تخریبی یا بهینه‌سازی یا جایگزین کردن است. بنابراین مؤلفه‌های در پیوند با هر گفتمان افزون بر ناهمسانی برداشت مفهومی، نحوه اولویت‌بندی یا باهم‌آیی آنان همبسته دال مرکزی در گفتمان‌ها است (عضدانلو، ۱۳۷۵: ۶۲).

۳-۲. مفصل‌بندی

ارتباط میان عناصر مختلف گفتمان همانند دال‌ها، مفاهیم و مقوله‌ها که با هویت همبسته به گفتمان ویژه صورت‌بندی گشته به‌گونه‌ای که هویت نخستین آن درگون شده را مفصل‌بندی یا پیکربندی گویند (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۹۳: ۵۳). بر این اساس گفتمان قرآن کریم و لیبرال با برداشت مفهومی ویژه از مفاهیم و دال‌های آزادی و عدالت اجتماعی، آنها را متناسب با گفتمان خود مفصل‌بندی یا پیکربندی کردند.

۳-۳. بافت موقعیت و بافت متن در گفتمان قرآن کریم و لیبرالیسم

چنانچه آمد گفتمان تحلیل انتقادی به پیوند متن و جامعه به عنوان عنصر فرازبانی اشاره دارد. بر این اساس برداشت‌ها از مفاهیم آزادی و عدالت اجتماعی در بستر گفتمان قرآن کریم و لیبرالیسم در هم‌پیوندی با عناصر فرازبانی، رابطه بینامتن با واقعیات اجتماعی، عناصر قدرت و ایدئولوژی و گفتمان‌های رقیب است. قرآن کریم به دلیل برخورداری از پایگاه اجتماعی ویژه به بازتولید فرهنگی امر مقدس در زندگی روزمره مردم با رهیافت هویت‌یابی و هویت‌سازی پرداخت. از این جهت امر فرهنگی قدسی در قالب دین به گونه باورها، کردارها، هنجارها و سنت‌ها تجلی یافته که از طریق همکنشی سازنده میان افراد و فرهنگ مردمی تبدیل به یک برساخته فرهنگ دینی شد. روی‌آوری گفتمان قرآن کریم در پردازش این تعبیر برانگیختن حس تعلق دینی و نقش آنها در هدایت رفتارهای فرهنگ دینی در زیست اجتماعی است. در این رهیافت مضمون زبانی و انگاره‌ها درگستره جامعه دینی سویه دینی دارند. بینش لیبرال هم با برگرفتنی از زمانه مدرنیته با

غیرطبیعی جلوه دادن ایدئولوژی‌ها، آشکار کردن تعیین‌ها و تاثیرات اجتماعی گفتمان که از دید نهان‌شده، می‌باشد (فرکلاف، ۱۳۷۹: ص ۲۶-۲۷). بنابراین کنش‌های مبتنی بر ایدئولوژی هرچند عقلانی می‌نمایند ولی برای همپوشانی منافع طبقات یا گروه‌های اجتماعی ویژه ایجاد شدند (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۳۸).

تحلیل گفتمان انتقادی در سه میدان توصیف، تفسیر و تبیین، با لحاظ دال مرکزی به عنوان وجه مشترک سطوح مختلف کنش زبانی را بررسی می‌نماید (Fairclough, 1996: 25). در این گستره، سطح توصیف به ویژگی زبانی، ساختار دستوری بسامد واژگانی و مانند آن در پی معنای نهفته در متن است (بلور، ۱۳۹۰: ۲۶). در تفسیر به تولید و خوانش متن که پرکنش گفتمانی می‌پردازد که شامل عناصر بافت موقعیت و بینامتنیت است. در این حوزه متأثر از هرمنوتیک گادامر به افق فهم و پیوند دیالکتیک دانش‌های زمینه‌ای مفسر و محتوای متن در پی کشف معنای نهان متن است (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۲۱۵). در تبیین به چرایی رویداد زبانی یا پرکنش اجتماعی می‌پردازد (یورگنسن، ۱۳۹۶: ۱۲۰). در این گستره گفتمان‌ها در ارتباط با قدرت که از سویی آن را تولید و از سوی دیگر ریشه در قدرت دارند تلاش در چیرگی و سیطره خود در فرایند اجتماعی داشته که فرآورده آن تنازع و خصومت است (بای، ۱۳۹۶: ۱۱). پیوند میان گفتمان و قدرت با مفصل‌بندی میان مؤلفه‌های بی‌هویت و چندمعنایی در محوریت یا قانونی‌شدگی دال مرکزی حاصل می‌شود (بای، ۱۳۹۶: ۱۶). بر این اساس تحلیل گفتمان در سطح تبیین به رابطه دوسویه و دیالکتیکی بین رویدادهای خرد اجتماعی و ساختارهای کلان اجتماعی می‌پردازد که با عناصر گفتمان و زبانی بازتاب می‌یابد (آقاگل‌زاده، ۱۳۹۴: ۱۲۹). در این مرحله اجزای مؤلفه‌های گفتمان برپایه دال مرکزی مفصل‌بندی شده و کنش زبانی به مثابه کردار اجتماعی تبیین گردد (جعفری، ۱۳۸۹: ۷۲). بنابراین متن به مثابه رویداد زبانی بازنمایی از رخداد اجتماع و کارکرد اجتماعی بوده و بیان‌کننده قدرت و ایدئولوژی ویژه است. پیوند میان متن با عناصر درون‌متنی و بیرون‌متنی، فرایندهای ایدئولوژیک، بافت‌های موقعیتی و بینامتنی مؤثر بر شکل‌گیری گفتمان در گستره تبیین مورد توجه است (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۲۴۵). بنابراین گفته‌ها کاربست شیوه تحلیل انتقادی گفتمان با توجه رویکرد اجتماعی و زبان‌شناختی، در این جستار اشاره به بخش سوم آن تبیین می‌باشد که به چرایی شیوه ویژه سخن گفتن قرآن کریم و لیبرال و ایدئولوژی ویژه آن برای تولید قدرت جهت ارتباط و تأثیرگذاری

پیش‌فرض دنیاگرایی^۱، جهان‌نگری با حذف فرهنگ سنتی مبتنی بر متافیزیک ویژه، اصالت عقل و تجربه، فردگرایی، تساوی و دیگر مؤلفه‌های همبسته به آن، برداشتی همسو با مبانی خود از این تعابیر ارائه کرد (کاپلستون، ۱۳۸۰: ۴۹). بر این اساس لیبرالیسم محصول قرن‌های پانزده و شانزده اروپا با تکون نظام نوین زیستی و روی‌آوری به سرمایه‌داری جدید با فروپاشی نظام زمین‌داری^۲ بود (شاپیرو، ۱۳۸۰: ۱۳). زوال نظام فئودال، پیدایش پدیده بورژوازی^۳، جدایی تولیدکنندگان از وسایل تولیدی خود و شکل‌گیری نظام کارگری به عنوان عنصر اقتصادی نوین، تکون دستگاه سیاسی جدید و درپی آن توسعه تجارت و پیشه، زمینه‌های بصیرتی لیبرالیسم است. (کونل، ۱۳۵۷: ۹) در این گستره امتیازات سیاسی و اقتصادی اشرافیت زمین‌داران و پایگاه اجتماعی مبتنی بر اصل و نسب با چالش روبه‌رو شد. (هی وود، ۱۳۷۹: ۶۱) مقوله آزادی در این گفتمان فردی بوده و بورژواها آن را در برابر طبقه اشراف زمین‌دار مطرح کردند که ابتدا در حوزه اقتصادی با مؤلفه‌های آزادی قراردادهای، شغل، انتخاب محل زندگی و تضمین مالکیت خصوصی بود و سپس در گستره سیاست و فلسفه به رهایی از هرگونه قدرت و اقتدار مرجعیت بیرون از انسان توسعه یافت (کوئل، ۱۳۵۷: ۴۴). از جهت وجودشناسی باور به خدا به عنوان عامل بیرون از انسان که روایت دقیقی از هستی و انسان دارد و ناظر بر همه کنش‌های آدمیان است و نیز آخرت‌گرایی کم‌رنگ گشته و به جای آن تجربه و عقل نشست که بدون واسطه عامل بیرون انسانی اقدام به روایت از خود و طبیعت کرد و در گستره عمل نیز با رهیافت ارزشی سودگرایی نگریسته شد و دستیابی به خواسته‌های فردی مبتنی بر لذت و رضایت اهمیت یافت (لاسکی، ۱۳۵۳: ۲۷). در بینش لیبرال پیشرفت آدمیان در پیوند با عقل و تجربه دانسته شد و برپایه آن جعل قواعد در گستره ناهمسان سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بازنمون یافت. بر این اساس آزادی افراد انسانی در وضع قواعد با مبانی عقل آزاد و رفع موانع بوده و عدالت نیز هم در وضع و هم در اجرای آن که افراد در موقعیت برابر و مساوی قرار

می‌گیرند (ترکمان، ۱۳۶۲: ۱۴۰). هسته سخت چنین رهیافتی انسان‌محوری، اعتباربخشی به فردیت و ارزشمندی ذاتی دنیاست. برپایه این پیش‌فرض که روایت قرآن کریم هرچند ناظر بر واقعیت‌های عینی زیست عصر نزول است اما برخوردار از هویت متافیزیکی، معرفت ویژه الهی و بازنمونی از علم و تقدیر الهی در هدایتگری است و فراهم آمدن زمینه‌های عینی شرط نزول آن در مشیت الهی است (سعیدی روشن، ۱۳۸۵: ۸-۹). در این نگره قرآن کریم همانند پدیده انسانی برآمده از ذهن گوینده و تابع متغیرهای بیرونی نیست. در برابر آن پیش‌فرض دیگری است که روایتگری قرآن را برآمده از فرهنگ عرب عصر نزول دانسته است (ابوزید، ۱۳۸۰: ۶۸). اما به هر روی قرآن به تناسب موقعیت‌ها نازل شده است. از این جهت نزول قرآن در موقعیت تاریخی پیشااسلام با عنوان دوران جاهلیت با شیوه زیسته ویژه بود (ایزوتسو، ۱۳۶۱: ۲۶۳). هسته سخت گفتمان پیشااسلامی جاهلیت، انسان‌مداری برپایه پیوند خونی بود که ساختار اجتماعی آبا مؤلفه حفظ قومیت و وحدت اجتماعی با نظام قبیله‌ای را ایجاد کرد و درپی آن کنش‌های اجتماعی، اخلاقی، سیاسی و اقتصادی برپایه این دال مرکزی استوار گشت. در برابر آن جهان‌بینی قرآن قرار دارد که دال مرکز آن توحید است و واژه «الله» در متن وحیانی که پربسامدترین واژگان کاربستی آن می‌باشد برای بازنمونی از این کانون‌شدگی است (ایزوتسو، ۱۳۶۱: ۹۱). بنابراین عناصر دوگانه کفر و ایمان در متن وحیانی معنادار می‌شود. در این جهت وجود و حضور واژگان در گفتمان‌ها هرچند ممکن است همسان باشد ولی برداشت‌های مفهومی، مقوله‌بندی و مفصل‌بندی آنها در جهت هسته مرکزی هریک از گفتمان‌ها می‌باشد.

با توجه به این گفته‌ها پیش‌فرض‌های فرازبانی گفتمان‌های اسلام و لیبرال مستقل از یکدیگر و بی‌ارتباط به هم هستند. گفتمان قرآن کریم به گونه فرآیند متناسب با رویدادهای ویژه عصری و زیستی تلاش نمود با ایجاد مفهوم‌سازی، مقوله‌بندی و خوانش هم‌پیوند با گفتمان خویش کارکرد تخریبی یا بهسازی با گفتمان رقیب همانند مشرکان، یهودیان و مسیحیان و نظام قبیله‌ای ایجاد کند. در این گفتمان جدید خدا و اوصاف خدا به عنوان دال مرکزی عمل کرده و دال‌های همانند عدالت و آزادی در قالب یک کلیت ساختاری مفصل‌بندی یا به هم پیوند خوردند (بای، ۱۳۹۶: ۱۶) و مقولات اخلاقی، فقهی و اجتماعی در این گفتمان مبتنی بر این عناصر صورت‌بندی شدند (اخوان کاظمی، ۱۳۹۱: ۱۱). در ادامه مجموعه مفاهیم دینی به عنوان مقولات

1. secularization

2. feudalism

۳. bourgeoisie / در دوران وسطی، فردی که نه ارباب بود و نه دهقان، بورژوا می‌گفتند. در قرن‌های هفده و هجده، ارباب و کارفرما را در برابر دوره‌گرد و کارگر به کار می‌بردند. بر این اساس بورژوا فردی از طبقه متوسط یا میانه بود که در فرانسه با ملاک دارایی، از حقوق سیاسی برخوردار بودند (آشوری، ۱۳۷۶: ۶۷).

می‌شود. در این نگره حقوق طبیعی و شهروندی ناشی از عقل خودبنیاد و برپایه توافق قرارداد اجتماعی است و وفاداری به آن قراردادهای عدالت گفته شد (تاک، ۱۳۷۶: ۱۰۴؛ کاپلستون، ۱۳۷۵: ۵/ ۳۵۱؛ صلیبا، ۱۳۶۶: ۴۶۱). عدالت در گستره اجرا نیز به مثابه انصاف تلقی گشته شهروندان در مقابل قانون و بهره‌مندی از خیرات اجتماعی در وضعیت برابر قرار دارند (رالز، ۱۳۷۶: ۸۰-۹۳). در برابر گفتمان لیبرال، قرآن کریم با بافت متنی گفتمان مبتنی بر توحید به عنوان دال مرکزی قرار دارد و مقوله عدالت را هم‌پیوند بافت‌های متنی و موقعیتی به عنوان مؤلفه‌های بیرون متنی مفصل‌بندی نمود. از این جهت خداوند به عنوان آفریننده انسان به گونه تکوینی وجود آدمی را سازوار و موزون ساخت «فَادَا سَوَّيْتُهُ وَفَخَّخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ» پس چون او را [کاملاً] درست کردم و از روح خویش در آن دمیدم سجده‌کنان برای او [به خاک] بیفتید.» (ص/۷۲، سجده/۹، قیامت/۳۸، شمس/۷) و به تناسب وجودیش قواعدی را تشریح ساخت. در این جهت وضع و اجرای آن قواعد به عنوان تحقق کنش‌های آدمیان (درونی و بیرونی)، حق تلقی می‌شود. بر این اساس واژه عدالت اجتماعی از جهت تاریخی و کارکردی با مفهوم حق دارای هم‌سرشتی هست (مطهری، ۱۴۰۳: ۱۶۴-۱۶۵) و عدالت سازوکار یا کنشی سازوارنه با معیارهای شریعت و انجام تکالیف الهی برای رساندن آدمیان به حق در زیست اجتماعی است (نراقی، بی‌تا، ۱۴۸). بنابراین معنای قانونی عدالت، حق است. «وَمِمَّنْ خَلَقْنَا أُمَّةً يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْذِلُونَ» و از میان کسانی که آفریده‌ایم گروهی هستند که به حق هدایت می‌کنند و به حق داوری می‌نمایند.» (اعراف/ ۱۸۱) و رعایت عدالت همان تحقق حق است. «وَمِنْ قَوْمِ مُوسَى أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْذِلُونَ» و از میان قوم موسی جماعتی هستند که به حق راهنمایی می‌کنند و به حق داوری می‌نمایند. (اعراف/ ۱۵۹) رعایت حدود الهی حق تلقی شده که مفهوم در تقابل با آن ظلم است «تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَعْتَدُوهَا وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ» این حدود احکام الهی است پس از آن تجاوز مکنید و کسانی که از حدود احکام الهی تجاوز کنند آنان همان ستمکارانند.» (بقره/ ۲۲۹) در این رهیافت تجاوز از حدود الهی ظلم است. قرآن کریم مفهوم عدالت را در حوزه زیست اجتماعی در گستره نهاد خانواده (احزاب/ ۵)، تنظیم روابط اجتماعی همانند تنظیم قواعد برای یتیمان (نساء/ ۲، ۶/ ۱۲۷)، روابط تجاری (انعام/ ۱۵۲، هود/ ۸۵، الرحمن/ ۹) روابط حقوقی بسان داوری

دینی در گستره دال مرکزی در قالب ایدئولوژی تولید قدرت کرده و به صورت امر بیرونی و پدیداری در زیست فردی و اجتماعی بازنمون یافت. سویه دیگر لیبرال هم فرآورده رویداد همبسته به خود است. در این جهت تکون مقوله‌های هر گفتمان پیامدی از روی‌آوری‌ها با مسائل و وضعیت ویژه بوده که تلاش دارد با تعریف ویژه هم پیوند با گفتمان، درپی تخریب یا بهسازی مقوله‌های گفتمان رقیب است. گفتمان رقیب لیبرال نظام فتوادل، حاکمیت حداکثری کلیسا بود که این گفتمان درپی بریدن قدرت کلیسا بود.

۴- مفهوم‌شناسی عدالت در گفتمان لیبرال و قرآن

با توجه به پراکندگی جغرافیای انسانی و اجتماعی و واقع شدن گفتمان در بستر موقعیت‌های ناهمسان و رابطه بینامتنی با گفتمان‌های رقیب، برداشت‌ها از تعبیر عدالت اجتماعی متفاوت است. بر این اساس در تحلیل گفتمان انتقادی هر کدام از تعاریف، همانند تعریف اخلاقی از عدالت (افلاطون) که آن را همراه صفات حکمت، شجاعت و خویشتن‌داری به عنوان فضیلت اخلاقی دانسته و با فراگیری آن در زیست اجتماعی، درپی جامعه مطلوب یا مدینه فاضله است؛ آن را در گستره کردار اجتماعی بررسی کرده که پیامد چنین زیستی، همکنشی مطلوب میان شهروندان و واگذاری امور به شایستگان و در نهایت و زمینه رضایتمندی افراد جامعه را فراهم می‌سازد (سابین، ۱۳۵۳: ۴۴، جمشیدی، ۱۳۸۰: ۶۲). افزون بر آن دلیل تکون چنین برداشت اخلاق از عدالت در زیست اجتماعی زمانه شکل‌گیری و نیز در نسبت با گفتمان رقیب پی‌جویی می‌کند و از جهت بافت متنی نیز هم‌پیوندی آن با دال مرکزی گفتمانش را تبیین می‌نماید. چنین رویکردی درباره برداشت دیگر (زرتشتیان) از عدالت که آن مرتبط با وظیفه و خویشکاری افراد در طبقات اجتماعی تلقی کرده و افراد هر طبقه تنها به پیشه بایسته آن طبقه باید بپردازند (مجتبایی، ۱۳۵۲: ۵۰) قابل تعمیم است. البته عدالت کاربستی در این گفتمان با سویه بافت موقعیتی که ذکر شد، ناظر به طبقه ویژه بورژوا است که بیشترین سود را از نظام گفتمانی لیبرال برده و با بیان مؤلفه‌های آن با تولید ایدئولوژی و قدرت رفتار سودجویانه طبقه خویش را توجیه می‌کند (پوردو، ۱۳۷۸: ۳۷).

بنابراین عدالت اجتماعی در دوران نوگرایی با بینش لیبرال که دال مرکزی آن انسان است و افراد انسانی به عنوان جزیی از کل تبیین گشته و فردگرایی هم در درون هسته مرکزی سنجیده

میان مردم (نساء/ ۵۸، هود/ ۵۴، مائده/ ۴۲) و شهادت میان مردم (مائده/ ۸، نساء/ ۱۳۵) به کار برد. بنابراین خداوند در این گفتمان به عنوان مشوق «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ» خدا دادگران را دوست می‌دارد. «(حجرات/ ۹، ممتحنه/ ۸) و آمر عدالت در شیوه کنش‌گری آدمیان است» «قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ، بگو پروردگارم به دادگری فرمان داده است.» (اعراف/ ۲۹، نحل/ ۹۰). وظیفه حقوقی و اجتماعی افراد در وضع و اجرای قواعد الهی عدالت دانسته شده و احترام به آن قواعد که حق تلقی گشته مانع تجاوز دیگران می‌شود. (طباطبایی، ۱۴۳۰ق: ۱ و ۲/ ۲۴۱) در این گفتمان، آدمی مکلف به زیست بوده و تلاش برای فراهم‌سازی و تداوم آن ضروری بوده که از لوازم چنین زیستی بهره‌مندی از قواعد و مقررات فردی و اجتماعی می‌باشد که زمینه شایسته زیستی را فراهم می‌نماید. در این راستا کسب منافع افراد در زیست اجتماعی در هم‌کنشی با دیگران است. این شیوه زیستی که هم‌کنشی فرد با اجتماع براساس مصالح و منافع نیازمند به اعتبار عدالت اجتماعی است. لازمه عدالت اجتماعی استقرار نظام ارزشی و حقوقی ویژه است تا کنش‌های افراد را نسبت به هم تعدیل نماید. در این نگره، روابط اجتماعی براساس قراردادی عملی استوار شده که پیامد آن همپوشانی منافع و مصالح همگان بر مبنای رعایت قرارداد اجتماعی که موجبات عدالت اجتماعی را فراهم می‌سازد. (طباطبایی، ۱۴۳۰ق: ۱ و ۲/ ۲۴۶)

۵- مفهوم آزادی در گفتمان لیبرال و قرآن کریم

انگاره^۱ زبانی آزادی همانند دیگر مفاهیم در بستر گفتمان‌ها دارای برداشت‌های^۲ متفاوت است. برداشت مفهوم آزادی در گفتمان لیبرال^۳ متأثر از هسته مرکزی و کانونی‌شدگی انسان در آن است. در این گفتمان مفهوم آزادی از جهت کمیت تعریفی دارای فراوانی است (برلین، ۱۳۹۲: ۴۶ و ۳۳۶؛ کرنستون، ۱۳۸۶: ۳۰). اما تمامی برداشت‌ها در درون این گفتمان مبتنی بر توانایی آدمی در عمل مطابق با اراده و بدون الزم به الزامات دیگران، (بوردو،

۱۳۷۸: ۴۷) و رفع موانع یا رهایش آدمی از بازدارنده‌ها و قرار گرفتن در مسیر کمال است (نویمان، ۱۳۸۶، ۶۸). با توجه به کنش‌های دوگانه آدمی در زیست اجتماعی، با لحاظ جنبه فردی در نقش کنشگر اجتماعی و دیگران به عنوان کنش‌پذیران دو مفهوم از آزادی^۴ قابل روایت است. نخست آزادی مثبت^۵ که در محدوده زیست فردی و امور درونی است که ریشه در اندیشه رواقیون^۶ داشته و تلاش دارد، درون آدمی را از موانع همانند خواهش‌های نفسانی، نفرت، کینه، امور شهوانی و یا هر بدایند و زمینه نگرش منفی رها سازد تا آدمی را به آزادگی برسد^۷ (نویمان، ۱۳۸۶: ۳۱). آزادی منفی^۸ گونه دیگر از آزادی است که در پی رفع موانع بیرونی و محدودیت‌ها از جانب دیگران یا نهادهای اجتماعی همانند سیاست، اجتماع، اقتصادی و حقوق بر آدمی است. (لیدمان، ۱۳۸۴: ۲۶) هدف این نوع آزادی حفظ حقوق فردی و آزادی حداکثری افراد است (لین، ۱۳۸۱: ۴۷۵) که در اعلامیه جهانی حقوق بشر به گونه ماهیت مادی، حق فردی در زیست اجتماعی و بهره‌مند از حقوق شهروندی^۹ تجلی یافت و آدمی به لحاظ حقوقی در چارچوب قواعد اجتماعی از امتیازاتی بهره‌مند شد. (کاتوزیان، ۱۳۷۶: ۱۴۰) آزادی در این گستره مشارکت افراد در ایجاد قواعد اجتماعی، عدالت اجتماعی و رعایت آن قواعد و محدودیت‌های آن برپایه رعایت حقوق دیگران است. در این رهیافت آزادی مثبت توانایی انسان را در بهره‌مندی از آنچه عدالت طرح می‌کند موردنظر قرار می‌دهد. با توجه به این گفته‌ها، روش زبانی گفتمان لیبرال انعکاس‌دهنده روش اندیشه و رفتاری این گفتمان بوده که برخاسته از ایدئولوژی بورژوازی است که در برابر ایدئولوگ سنتی مبتنی بر فئودال قرار داشته و تلاش کرد با محوریت انسان و عقل خودبنیاد، مؤلفه آزادی را با سایر عناصر دیگر مفصل‌بندی نماید (آربلاستر، ۱۳۷۷: ۸۳) و در پی آن با ایجاد این ایدئولوژی و تولید قدرت، گفتمان رقیب را حذف و نظام اجتماعی، سیاسی،

4. Two concepts of liberty

5. Positive Freedom

۶. Stoicism / شاخه‌ای از فلسفه اخلاق مبتنی بر طبیعت و اعتدال در سال ۳۰۱

پیشامیلاد توسط زنون رواقی ایجاد شد.

۷. فَأَمَلِكْ هَؤَالِكَ وَ شَخْ بِنَفْسِكَ عَمَّا لَا يَجِلُّ لَكَ فَإِنَّ الشَّخَّ بِالنَّفْسِ الْإِصْصَافُ مِنْهَا فِيمَا أَحَبَّتْ أَوْ كَرِهَتْ. هوای نفس را در اختیار گیر، و از آنچه حلال نیست خوشتن‌داری کن، زیرا بخل ورزیدن به نفس خویش، آن است که در آنچه دوست دارد، یا برای او ناخوشایند است، راه انصاف پیمایی. (نهج البلاغه، ۵۳/ک)

8. Negative freedom

9. Citizenship

1. concep

2. conceptions

۳. Liberalism / واژه لیبرال افزون بر پوشش تاریخی و گرایش‌خواهندگان آن به جهت مؤلفه‌های سازنده‌اش، آن را با پیچیدگی و تفاسیر متعددی روبه‌رو ساخته است. (وینسنت، ۱۳۷۸، ۳۹۲) وجه اشتراک همه نسخه‌های لیبرالیستی، فردگرایی اخلاقی، برابرخواهی، انکار هرگونه تمایز ارزش‌های اخلاقی میان آدمیان از جهت حقوقی و سیاسی و بهبودگرایی که اصلاح و پیشرفت‌پذیری همه نهادهای اجتماعی و تربیبات سیاسی است. (کری، ۱۳۸۱، ۳۲)

فرهنگی و اقتصادی نوینی را با اولویت‌بخشی به آزادی طراحی کرد.

این مفهوم در نظام زبانی قرآن کریم با الگوی همبسته به هسته مرکزی توحید که محور کانونی آن است تبیین می‌گردد. در این الگو آدمی به طور پیوستار در مسیر انتخاب قرار دارد (انسان/۳) و با انتخابگری خود حاکم بر سرنوشتش است: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» در حقیقت خدا حال قومی را تغییر نمی‌دهد تا آنان حال خود را تغییر دهند. (رعد/ ۱۱) با توجه توانمندی سرشتی آدمی در تمییز خوبی و بدی به گونه نظری و عملی «فَالْهَمَّهَا فُجُورُهَا وَتَقْوَاهَا، سِيسَ پلیدکاری و پرهیزگاری‌اش را به آن الهام کرد.» (شمس/ ۸) که مبنای دیگر از آزادی آدمی در انتخابگری است پیش از اجتماع به انسان داده شد. (مطهری، ۱۳۸۵: ۴۲۰/۳) گام آغازین در مسیر انتخاب آگاهی از هستی می‌باشد که از آن خدا هست (جاثیه/ ۱۳) و مواهب طبیعت دهش الهی است «وَهُوَ الَّذِي سَخَّرَ الْبَحْرَ لِنَاكُلُوا مِنْهُ لَحْمًا طَرِيًّا وَتَسْتَخْرِجُوا مِنْهُ حِلْيَةً تَلْبَسُونَهَا وَتَرَى الْفُلْكَ مَوَاجِرَ فِيهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ» و اوست کسی که دریا را مسخر گردانید تا از آن گوشت تازه بخورید و پیرایه‌ای که آن را می‌پوشید از آن بیرون آورید و کشتی‌ها را در آن شکافنده [آب] می‌بینی و تا از فضل او بجوید و باشد که شما شکرگزارید.» (نحل/ ۱۴) و این خداوند است که نعمت ظاهری و باطنی را ارزانی داشته است (لقمان/ ۲۰) ناآگاهی از این امور موانع آزادی تلقی شد. بر این اساس مفهوم آزادی در این گفتمان در ترداد با انتخاب می‌باشد و عامل تعیین بخش مؤمنان در بازشناسی خیر و شر و انتخابگری، افزون بر شناخت سرشتی، عقل هم به عنوان منبع شناخت حقیقت است. در روایتگری متن وحیانی ارباب به عنوان عامل سلطه و شرک به خدا، مانع آزادی دانسته شد. «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ. بگو ای اهل کتاب بیایید بر سر سخنی که میان ما و شما یکسان است بایستیم که جز خدا را نپرستیم و چیزی را شریک او نگردانیم و بعضی از ما بعضی دیگر را به جای خدا به خدایی نگیرد.» (آل عمران/ ۶۴) هدف آزادی در گفتمان قرآنی با توجه به مؤلفه کانونی آن که توحید و خداباوری است، کمال آدمی در جهت این هسته مرکزی هم‌پیوند گشته است (جوادی آملی، ۱۳۹۳: ۵۵). بر این اساس مقوله‌های آزادی و عدالت عامل پیمایش تکامل آدمی در زیست فردی و اجتماعی در جهت عامل

کانونی گفته شده به گونه هم‌حضور یا باهم‌آیی مفصل‌بندی شدند (مطهری، ۱۳۹۶: ۱۳). در این جهت آزادی یا آزادی درونی ابزاری برای رهایی از تمایلات نفسانی آدمی است (مطهری، ۱۳۸۵: ۴۳۸؛ جوادی آملی، ۱۳۷۵: ۱۸۹) و او را به جایگاه عدالت می‌رساند. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَى أَنْفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ إِنْ يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَاقِرًا فَإِنَّهُ أُولَىٰ بِهِمَا فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا وَإِنْ تَلَوُّوا أَوْ نَعَرَضُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا» ای کسانی که ایمان آورده‌اید پیوسته به عدالت قیام کنید و برای خدا گواهی دهید هر چند به زیان خودتان یا [به زیان] پدر و مادر و خویشاوندان [شما] باشد اگر [یکی از دو طرف دعوا] توانگر یا نیازمند باشد باز خدا به آن دو [از شما] سزاوارتر است پس از پی هوس نروید که [درنتیجه از حق] عدول کنید و اگر به انحراف گرایید یا اعراض نمایید قطعاً خدا به آنچه انجام می‌دهید آگاه است.» (نساء/ ۱۳۵)

چنانچه آمد، آزادی در متون دینی برپایه ارزش‌های دینی است. «وَلَا تَكُنْ عَبْدَ غَيْرِكَ وَ قَدْ جَعَلَكَ اللَّهُ حُرًّا، بنده دیگری مباش، خداوند تورا آزاد آفریده است.» (نهج‌البلاغه، ک/۳۱) بر این اساس آزادی به عنوان ابزاری در چارچوب متعین در ساختار دینی برای افراد جامعه تعریف می‌گردد. آدمی در ساحت زیست آگاهانه در چهار نسبت (خدا، خود، دیگران و طبیعت) می‌باشد که در زیست اجتماعی، به نسبت او با دیگران اشاره دارد. اصل آغازین پیوند و همکنشی آدمیان با یکدیگر، عدم سلطه به هم است. اما آدمیان در زیست اجتماعی به دلیل منافع و مصالح فردی و اجتماعی، گاهی در همکنشی با هم دچار تضاد منافع می‌شوند که برای رفع آن نیازمند به شیوه زیستی رواداری و مسالمت‌آمیز است (طباطبایی، ۱۳۳۰: ۱ و ۱۷۵/۲-۱۷۶) که با تنظیم قواعدی حقوق دیگران بسان حقوق خود پنداشته شود. بر این اساس آزادی‌ها در این زیست همواره با محدودیت‌های است که تلاش دارد اراده و کنش افراد را با فعالیت و اراده دیگران با وضع قوانین تعدیل کند (طباطبایی، ۱۳۳۰: ج ۱ و ۳۱۶/۲). در این نگره آزادی از غایات و خیرات مشترک آدمیان در زیست اجتماعی تلقی شده که توزیع عادلانه آن زمینه تحقق عادلانه قواعد اجتماعی را فراهم می‌کند (واعظی، ۱۳۹۱: ۱۷). البته باید افزود، در رهیافت دینی تعیین آزادی اجتماعی با ملازمت و همراهی آزادی معنوی است. این سنخ آزادی در زبان دین «تقوا» و «تزکیه نفس» گفته شده که از جانب خدا و با میانجی پیامبران و کتاب‌های آسمانی تأمین

گشته و باعث آزادگی و رهایی آدمی از هرگونه ذلت می‌شود (مطهری، ۱۳۸۵: ۴۴۰-۴۴۱).

۶. پیوند مفاهیم عدالت و آزادی در نگره لیبرال

چنانچه آمد جامعه نهادی تأسیسی است که افراد در زیست اجتماعی برای تأمین خواسته‌ها و مطلوب‌های فردی و جمعی خود آن را ایجاد کردند. چنین نهاد انسانی با ویژگی‌های «تضاد منافع» و «هماهنگی منافع» روبه‌رو است. در این پندار تضاد منافع برآیند فزون‌خواهی و منفعت‌طلبی افراد در زیست اجتماعی است و هماهنگی منافع به اقتضای عقلانیت بشری جهت همکاری اجتماعی برای تأمین منافع همه افراد و زندگی بهتری می‌باشد (آربلاستر، ۱۳۶۸: ۵۱۵). ویژگی‌های متضاد یادگشته، مفاهیم عدالت اجتماعی و آزادی را معنادار می‌کند. با توجه به بودگی آدمی در گفتمان‌های متفاوت، پیوند میان مفاهیم عدالت و آزادی همبسته به این بودن در گفتمان ویژه است. در نگره لیبرال با توجه به آزادی افراد در کنشگری اجتماعی، افراد در برابر حقوق و امتیازهای اجتماعی برابرند. در این رهیافت آنان، خواهان فراگیر شدن عدالت توزیعی در زیست اجتماعی هستند که بتوانند تولیدات و امکانات جامعه را بنابر سهم‌های خاصی میان افراد یا گروه‌ها تقسیم نمایند. (غنی‌نژاد، ۱۳۸۱، ۴۵) در این پندار هرچند افراد جامعه در برابر امکانات و فرصت‌ها برابرند اما از جهت بهره‌وری با توجه به شرایط ناهمسانند.

در میان نظریه‌پردازان عدالت اجتماعی در گفتمان لیبرال، نظریه عدالت اجتماعی رالز اهمیت داشته که مبتی بر توافق قراردادی^۱ است. عدالت در این اندیشه، پیوند محکمی با سنت قرارداد اجتماعی^۲ دارد و نهادهای سیاسی و اجتماعی همانند دولت و قوانین آن برپایه توافق نخستین میان افراد، تکون یافتند (Rawls, 2000, p.10). در این نگره، تعبیر توازن اجتماعی برپایه اصول عدالت اجتماعی مطرح شده و شهروندان را در شرایط منصفانه انتخاب قرار داده (پارخ، ۱۳۷۹، ۲۳۸) که بر پایه توافق قراردادی در پی برابری و تعادل افراد جامعه در بهره‌مندی از تمامی امکانات و خیرات اجتماعی در گستره قدرت، ثروت، امکانات و زمینه‌های به‌کارگیری، تولید و توزیع و مصرف هستند (رالز، ۱۳۷۶: ۹۳-۸۰؛ جمشیدی، ۱۳۸۰: ۵۸۱). عدالت به مثابه

انصاف بایسته است که تمامی خیرات اجتماعی برابر توزیع شوند و عدم توزیع نابرابری زمانی است که نفع همگان تأمین گردد. در این صورت، در مبادله خیرات اجتماعی محدودیت‌ها به‌گونه‌ای وضع می‌شود که پیامدش این است، فواید اجتماعی و اقتصادی بیشتر، آزادی کمتر را بتواند جبران کرد (رالز، ۱۳۷۶: ۹۳-۸۰). محدودیت‌ها، همان قرارداد اجتماعی با صورت‌بندی معقول (تعیین سیاست‌های عادلانه را برای جامعه) است که به آدمی در تعیین شکل و محتوای قانون‌گذاری عادلانه، کمک می‌کند. (همپتن، ۱۳۸۰: ۲۳۴) معنای برابری به عنوان جنبه‌ای از مفهوم عدالت، در برابر خیرات اجتماعی که همه افراد در زیست اجتماعی از آن بهره‌مند گردند. حذف امتیازها بی‌وجه و ایجاد تعادل میان خواسته‌های متعارض آدمیان در ساختار نهاد اجتماعی از روایت‌های این گفتمان است (رالز، ۱۳۷۶: ۹۳-۸۰). در این راستا هر فرد با حضور در نهادهای اجتماعی یا تاثیر از آن، در برخورداری از حق آزادی برابر باشد. از سوی دیگر نابرابری‌ها موجه و روا زمانی است که دلیلی وجود داشته باشد که این نابرابری به نفع همگان باشد. عدالت دارای اصول محوری سه‌گانه، آزادی، برابری و پاداش خدماتی در جهت خیر همگان است (رالز، ۱۳۷۶، ۹۳-۸۰). نابرابری‌های که ناشی از تلاش آدمیان در کسب مناصب، افتخارات و پاداش که نهادهای اجتماعی ایجاد می‌کنند از این الگو پیروی می‌شوند. عدالت اجتماعی در پندار قراردادگرایی، برآمده از اصل فایده‌گرایی است که منافع متقابل شهروندان را با توافق اجتماعی تأمین می‌کند. البته یادآور می‌شود که با توجه به گستره جوامع انسانی و وجود ساحات متفاوت فردی و اجتماعی، عدالت برآمده از قواعد اجتماعی هم به دلیل این تفاوت‌ها، یکسان نیست. در این صورت امری در یک جامعه، مطابق با قرارداد اجتماعی عدالت شناخته شود، در جامعه‌ای دیگر خلاف عدالت به شمار آید.

با توجه به این گفته‌ها، آزادی در نگره لیبرال از جهت زمینه و هدف به عدالت نظر دارد. از طرفی، آزادی در بستر شرایط عادلانه که همه افراد اجتماعی از امکانات و خیرات اجتماعی برابر برخوردارند تحقق می‌یابد. از سوی دیگر، هدف آزادی هم تحقق عدالت است و افراد در شرایط برابر و رقابت سالم با تلاش به آن امانات برابر دست می‌یابند. در این صورت حق و صاحب حق معنادار می‌شود. در این رهیافت، آزادی زمینه عدالت را فراهم کرده و در ادامه بدون عدالت به ضد خود بدل گشته و باعث ظلم می‌شود. بنابراین تحقق عدالت اجتماعی هم پیوند با تحقق آزادی

1. Contractual agreement

2. social contract

رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم، و با آن‌ها کتاب (آسمانی) و میزان (شناسایی حق از باطل و قوانین عادلانه) نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند.» (حدید/۲۵) و اینکه خداوند براساس توان آدمی قواعد را تشریع ساخت «لَا يُلْغِفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا»؛ خداوند هیچ کس را، جز به اندازه توانایش، تکلیف نمی‌کند.» (بقره/ ۲۸۶، طلاق/ ۷، حج/ ۷۸). در این گفتمان عدالت تشریعی خداوند اقتضا دارد تا قواعد عادلانه تشریع گردد تا افراد و جامعه براساس آن هدایت شوند (آل عمران/۱۳۸). در این صورت از مرجع عدالت یا قانونگذار انتظار می‌رود که در تدوین و تنظیم قواعد اجتماعی براساس ضوابطی به گونه بی‌طرفانه با فراموشی وابستگی‌ها به افراد یا نهادهای اجتماعی، کنش‌گری خود را سامان دهد. در گستره اخلاق رفتاری هم‌کنش‌ها زمانی اخلاقی و عادلانه هستند که رواداری عمل به گونه‌ای تنظیم گردد که افراد انسانی هر آنچه را که برای خود روا می‌دانند برای دیگران هم روا دانند. در ادامه باید افزود که وضعیت عادلانه یعنی افراد انسانی ارزش‌ها، قواعد، اوضاع و احوال را آزادانه به نفع و مصلحت خود بدانند و درباره آن تصمیم بگیرند و به محدودیت‌های آن تن دهند. موقعیت یا وضعیت عادلانه به موضع عمل اشاره دارد و این‌که افراد در کنشگری خود در وضعیت آگاهی بسر ببرند. موجه‌سازی رفتار عادلانه هم در پیوند با نظام ارزشی (اخلاقی، حقوقی، زیبایی‌شناختی و مصلحت‌اندیشانه) می‌باشد که افراد در آن جای دارند. عادلانه بودن رفتار عاملان از جهت اخلاقی، حقوقی همبسته به قواعدی است که قانونگذار آن را تنظیم نمود تا زیست اجتماعی با وجود آن قواعد و قوانین اجتماعی و پایبندی افراد به اجرای آن زمینه تداوم حیات جامعه فراهم گردد. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَ قُلْ آمَنْتُ بِمَا أُنْزِلَ اللَّهُ مِنْ كِتَابٍ وَ أُمِرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمُ اللَّهُ رَبُّنَا وَ رَبُّكُمْ لَنَا أَعْمَالُنَا وَ

به عنوان زیربنای آن است که تحقق آزادی عامل تحقق عدالت اجتماع است.

برپایه تحلیل گفتمان انتقادی برداشت از آزادی و عدالت برای رژیم مبتنی بر قانون اساسی به گونه‌ای است که بذاته قابل دفاع بوده و از جانب طرفدارانش هم به صورت بالفعل و بالقوه آن برداشت را تأیید کردند (راولز، ۱۳۸۳: ۷۳). این دیدگاه ناظر به طبقه‌ای (بورژوا) از جامعه است که از مقوله‌بندی‌های این گفتمان به گونه ایدئولوژی بیشترین سود را برده و با استدلال به سودش برای وی تولید قدرت نمود و کنش‌های اجتماعی خود را برپایه آن توجیه نمود (بوردو، ۱۳۷۸: ۳۷). در این جهت با تکیه بر آزادی تلاش دارند نهاد قدرت (سیاسی) را کنترل کنند؛ زیرا نهاد قدرت با اقتدارگرایی تهدیدی برای آزادی فردی و مداخله‌گر در همه امور انسان است (موحد، ۱۳۸۴: ۲۳۱)؛ زیرا با این تلقی که دولت‌ها با وضع قوانین به نفع خود منافع افراد را فراموش می‌کنند. در این صورت عدالت که اطاعت از قانون است خود متناقض گشته و به دنبال تأمین قدرت حاکمان هست (افلاطون، ۱۳۸۰: ۲/ ۸۲۹). بر این اساس لیبرال به آزادی فردیت بیش از عدالت اهمیت می‌دهد. در برابر آن گزاره‌های متن و حیانی مبتنی بر عدالت است زیرا خداوند در تکون آن نفع شخصی نداشته است. با توجه به این گفته، عناصر زبانی بازتاب‌دهنده نیازها و تجربه‌های زیسته دوران تکونی گفتمان لیبرال در برابر گفتمان رقیب است. برپایه تحلیل زبانی، ارتباط ارگانیکی و کارکردی میان مؤلفه‌های در پیوست این گفتمان با دال مرکزی یعنی انسان برقرار شده تا زیست جهان برپایه این گفتمان را از جهت نظری و عملی موجه‌سازی کند. با تولید ایدئولوژی مبتنی بر فیزکالیسم و مادیت دستگاه معرفتی ویژه را ساخته و با دانایی همبسته به قدرت در پی مناسبات اجتماعی، سیاسی فرهنگی و اقتصادی است.

۷. پیوند مفاهیم آزادی و عدالت اجتماعی

در قرآن کریم

همکنشی دال‌های آزادی و عدالت در گفتمان قرآن کریم مبتنی بر دال مرکزی آن است. بر این اساس فراونی آیات مرتبط با واژه عدل و صورت‌بندی آن در متن و حیانی با گونه‌های ناهمسان به عنوان صفت الهی (آل عمران/۱۸) در تکون هستی و در تشریع احکام به مثابه صفت احکام الهی آمده است. «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَ أُنْزِلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَ الْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»؛ ما

سیاسی حاکم بر جامعه زمان نزول و رابطه قدرت و ایدئولوژی را تبیین می‌کند. در رهیافت وی، بافت متن و موقعیت در گفتمان دخیل می‌باشند و متن را جزئی بریده از آفریننده متن و اجتماع نیست. در رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی مبتنی بر مؤلفه‌های قدرت و ایدئولوژی در پی همکنشی این دو مؤلفه در بافت متن و موقعیت است.

۲- تفاوت در نحوه تکیه گفتمان قرآن کریم و لیبرال به دلیل واقع شدند عناصر فرازبانی متفاوت، همانند بافت موقعیتی، ساختار فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و گفتمان‌های رقیب حاکم بر دو دوره ویژه، روی‌آوری‌ها به مفاهیم آزادی و عدالت به مثابه متن و همپیوندی یا ناهمپیوندی این مقوله‌ها هم ناهمسان است. آشتی‌سازی دال‌های شناور یا مفاهیم در یک گفتمان که بر اساس دال مرکزی آن پیکربندی شده با گفتمان دیگر به دلیل هسته مرکزی ناهمسان دشوار و شاید ناممکن است. گفتمان‌ها به دلیل هویت‌ویژه‌شان برپایه ضدیت و تفاوت با یکدیگر ایجاد می‌شوند.

۳- برداشت مفهوم آزادی بیان در گستره گفتمان اسلام و لیبرال متفاوت می‌باشند. برای تحلیل گفتمان انتقادی مفاهیم آزادی و عدالت اجتماعی درک بافتار هریک که یکی در زمانه مدرنیته در جوامع غربی با ویژگی سکولار و دیگری در جامع سنتی مبتنی بر قبیله‌گرایی با مناسک و شعایر دینی اسلام شیوه زیسته متفاوت ضرورت دارد. این مفهوم در دایره نگره لیبرال با ماهیت مادی و دنیوی بر مبنای حق فردی در زیست اجتماعی قابل‌بازشناسی است و محدودیت‌های آن با لحاظ در نظر گرفتن آسیب‌نرساندن به دیگری است که با تفسیر مضیق می‌توان گفت که بیان‌کننده منفعت جامعه نیست. در این رهیافت آزادی منفی به نبود مانع و امکان بهره‌برداری از حقوق شخصی اشاره دارد و جنبه‌ی مثبت آن توانایی انسان در بهره‌مندی از عدالت که برآمده از نگرش لیبرال است، می‌باشد.

در برابر آن گفتمان لیبرال با روی‌آوری ویژه و واقع شدن در بافت موقعیتی به تولید زبانی و متنی مقوله‌های آزادی و عدالت اجتماعی پرداخته و برپایه آن اقدام به اولویت‌بندی آن برای ایجاد ایدئولوژی و تأثیرگذاری کرد. متن در گستره مفاهیم آزادی و عدالت در متن وحیانی نشان از اصلاح امت اسلام در حوزه فردی و اجتماعی دارد. ایدئولوژی نهان که ساخت و معنی متن و گفتمان را تعیین می‌کند. ایدئولوژیک حاکم بر متن وحیانی نشان از امر غیبی و خدایی است که در پی بازنمایی قدرت الهی در تکیه امتی با ساختار الهی است.

لَكُمْ أَعْمَالُكُمْ لَا حُجَّةَ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمُ اللَّهُ يَجْمَعُ بَيْنَنَا وَاللَّهِ الْمَصِيرُ. پس ای پیامبر آنان را به راه حق دعوت کن و بر آن پایداری نما آن‌گونه که فرمان یافته‌ای و خواسته‌های آنان را پیروی مکن و به آنان بگو به هر کتابی که خدا نازل کرده است، ایمان دارم و فرمان یافته‌ام تا میان شما به عدالت حکم کنم.» (شوری/۱۵). در این رهیافت کنشگری افراد بر پایه قواعد الهی رفتار عادلانه دانسته شد. «لَيْسَ عَلَى الضُّعَفَاءِ وَلَا عَلَى الْمَرْضَى وَلَا عَلَى الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ مَا يُنْفِقُونَ حَرَجٌ»؛ بر ضعیفان و بیماران و آن‌ها که وسیله‌ای برای انفاق (در راه جهاد) ندارند، ایرادی نیست (که در میدان جنگ شرکت نجویند (توبه/ ۹۱، فتح/ ۱۷، بقره/ ۱۸۵). لازمه رفتار عادلانه هم تحقق آزادی در وجود افراد است تا بتوانند به صورت امری ارادی فرامین الهی را انجام دهند. «يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذَيِّبَ لَكُمْ وَيَهْدِيَكُمْ سَبِيلَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ. خدا می‌خواهد برای شما توضیح دهد و راه [و رسم] کسانی را که پیش از شما بوده‌اند به شما بنمایاند.» (النساء/ ۲۶، ۲۷ و ۲۸، البقره/ ۱۸۵). بر این اساس ارزشمندی کنشگری دینداران در فهم، استخراج و اجرای قواعد الهی همبسته به آزادی و اختیار آنان است تا عدالت محقق گردد (الشمس/ ۷۸، البلد/ ۱۰، هود/ ۲۰، ملک/ ۱۰-۱۱).

بنابر آنچه گفته شد، میان دو مفهوم یادگشته در گفتمان قرآن کریم همکنشی وجود دارد. از سویی عدالت فراگیر بوده و به عنوان قید آزادی تلقی شده و باید در حدود آن حضور داشته باشد و نمی‌تواند معیارهای عدالت را پشت سر گذاشت. از سوی دیگر، بدون آزادی عدالت محقق نمی‌گردد. آدمی آزاد هست هر کاری در زیست اجتماعی مبتنی بر عناصر هنجارگذار دینی انجام دهد، در این میان عدالت، نفس قواعد الهی است که زمینه تنظیم روابط اجتماعی را فراهم می‌سازد و کنشگران اجتماعی بر مبنای آن با یکدیگر همکنشی می‌کنند و در ادامه پای‌بندی به اجرای آزادانه آن قوانین، زمینه عدالت اجتماعی را مهیا می‌کند.

نتیجه پژوهش

۱- گفتمان‌ها در بافت مکانی یا زمانی و تاریخی خاص مرتبط با قدرت اجتماعی، سیاسی و فرهنگی با اهداف ویژه و باورهای گروه خاص در جامعه موردنظر گفتمان خودی در تقابل با گفتمان رقیب، در پی تولید یا بازتولید و القای پیام و معنای خاصی در ذهن مخاطبان می‌باشند. بر مبنای تئوری تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف، بافت متنی و کاربست واژگانی، بافت موقعیتی، فضای

References

The Holy Quran.

Arblaster, Anthony. (1989). The Rise and Decline of Liberalism. Translated by Abbas Mokhber. Tehran: Nashr-e Markaz.

Arblaster, Anthony. (1998). Western Liberalism: Rise and Fall. Translated by Abbas Mokhber. Tehran: Nashr-e Markaz.

Abu Mahboub, Ahmad. (2012). Doors and the Wind's Air: Life and Poetry of Hamid Mosaddeq. 2nd edition. Tehran: Nashr-e Sales.

Abu Zayd, Nasr. (2001). The Meaning of the Text. Translated by Morteza Karimi Nia. Tehran: Tarh-e No.

Akhavan Kazemi, Bahram. (2012). Critique and Evaluation of Laclau's Discourse Analysis and Its Application in Politics. No. 24. Aqagulzadeh, Ferdows. (2006). Critical Discourse Analysis. Tehran: Scientific and Cultural Publications. Aqagulzadeh, Ferdows. (2015). Critical Discourse Analysis: The Formation of Discourse Analysis in Linguistics. Tehran: Scientific and Cultural Publications.

Arblaster, Anthony. (1998). The West's Liberalism: Rise and Fall. Translated by Abbas Mokhber. Tehran: Nashr-e Markaz.

Ashouri, Daryoush. (1997). Political Encyclopedia (Dictionary of Political Terms and Schools). 4th edition. Tehran: Morvarid.

Bayi, Abdolreza. (2013). Globalization, Power, Knowledge, and Hegemony. Golestan: Keysan Publishing.

Berlin, Isaiah. (2013). Four Essays on Liberty. Translated by Mohammad Ali Movahhed. 3rd edition. Tehran: Kharazmi.

Bloor, Meriel & Bloor, Thomas. (2011). An Introduction to Critical Discourse Analysis. Translated by Ali Rahimi and Amirhossein Shahbal. Tehran: Jungle Publications.

Bourdeau, Georges. (1999). Liberalism. Translated by Abdolvahab Ahmadi. Tehran: Nashr-e Ney.

Capleson, Frederick. (1996). A History of Philosophy (English Philosophers). Translated by Amir Jalal al-Din Alam. 3rd edition. Tehran: Scientific and Cultural Publications & Soroush.

Capleson, Frederick. (2001). A History of Philosophy (Volume IV: From Descartes to Leibniz). Translated by Gholamreza Avani. Tehran: Scientific and Cultural Publications & Soroush.

Corneston, Maurice. (2007). A New Analysis of Liberty. Translated by Amir Jalal al-Din Alam. Tehran: Amir Kabir.

Foster, Michael et al. (1983). Masters of Political Thought. Translated by Javad Sheikh al-Islami et al. 2nd edition. Tehran: Amir Kabir.

Fairclough, Norman. (2000). Critical Discourse Analysis. Translated by Fatemeh Shayesteh Piran et al. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance.

Fairclough, Norman (1989). language and power, publish in the United states of America, by Longman Inc, New York.

Fairclough, Norman, (1992), Polity, change social and Discourse, London.

Izutsu, Toshihiko. (1982). God and Man in the Quran. Translated by Ahmad Aram. Tehran: Sherkat Sahami Enteshar.

Gray, John. (2002). Liberalism. Translated by Mohammad Savouji. Tehran: Ministry of Foreign Affairs Printing and Publishing Center.

Izutsu, Toshihiko. (1982). God and Man in the Quran. Translated by Ahmad Aram. Tehran: Sherkat Sahami Enteshar.

Jafari, Zahra. (2010). Research Methods in Social Sciences: Discourse Analysis Method. Ketab-e Mah-e Oloum-e Ejtemaei, No. 25, pp. 64-76.

Jamshidi, Mohammad Hossein. (2001). Theory of Justice. Tehran: Imam Khomeini and Islamic Revolution Research Center.

Jaworski, Adam & Coupland, Nikolas, 1999, The Discourse Reader, Routledge.

Javadi Amoli, Abdullah. (1996). Philosophy of Human Rights. Qom: Isra.

Javadi Amoli, Abdullah. (2014). Rights and Duties in Islam. Qom: Isra.

Katouzian, Nasser. (1997). Introduction to Law and the Study of Iran's Legal System. Tehran: Sherkat Sahami Enteshar.

Laski, Harold J. (1974). The Rise of Liberty in Europe. Translated by Rahmatollah Moghadam Maraghei. Tehran: Sherkat Sahami Ketabhave Jibi.

Liedman, Sven-Eric. (2005). Heavy Reality: On Liberty. Translated by Saeed Moghadam. Tehran: Akhtaran.

MacDonnell, Diane. (2001). An Introduction to Discourse Theory. Translated by Hossein Ali Nozari. Tehran: Farhang-e Gofteman.

- McKinnon, Catriona. (2003). Oxford Dictionary of Political Science. Translated by Hamid Ahmadi. Tehran: Mizan Publishing.
- Moaddel, Mohammad Ali & Rostami, Ardeshir. (2005). Criteria for Distinguishing Divine Rights and Human Rights in Islamic Jurisprudence. *Tolou Quarterly*, No. 15.
- Mollahshafi'i, Batool et al. (2017). 'A Study of the Complementary Relationship Between Liberty and Social Justice with Emphasis on the Quran. *Islam and Social Studies*, Vol. 5, No. 1, pp. 6-30.
- Motahhari, Morteza. (1985). *Collected Works*. New edition. Tehran: Sadra.
- Motahhari, Morteza. (2017). *Spiritual Liberty*. Tehran: Sadra.
- Motahhari, Morteza. (1983). *A Brief Study of the Foundations of Islamic Economics*. Tehran: Hikmat Publications.
- Naraqi, Mulla Ahmad. (n.d.). *Meraj al-Sa'adat*. Unknown place: Javidan.
- Neumann, Franz. (2007). *Liberty, Power, and Law*. Translated by Ezzatollah Fooladvand. 2nd edition. Tehran: Kharazmi.
- Office of Seminary and University Cooperation. (1982). *Introduction to Islamic Law*. Tehran: Samt Publications.
- Parekh, Bhikhu. (2000). *Contemporary Political Thinkers*. Translated by Monir Sadat Madarshahi. Tehran: Safir Publishing.
- Rahimi Sajasi, Davood & Ghanbari Nik, Seyfollah. (2017). Revisiting Social Justice in Interpersonal Communication from the Perspective of Nahj al-Balagha. *Islam and Social Studies*, pp. 31-58.
- Rawls, John. (1997). *Justice and Fairness, and Rational Decision-Making*. Translated by Mostafa Malekian. *Naqd-o Nazar*, Vol. 3, Nos. 10-11, pp. 80-93.
- Rawls John, (2000), *A Theory of Justice*, Oxford University Press.
- Rawls, John. (2004). *Justice as Fairness*. Translated by Erfan Sabati. Tehran: Ghoghnoos.
- Rawls, John. (2008). *A Theory of Justice*. Translated by Seyed Mohammad Kamal Sarvarian & Morteza Bahrani. Tehran: Institute for Cultural and Social Studies.
- Sabine, George Holland. (1974). *A History of Political Theory*. Translated by Bahaddin Pazargad. 4th edition. Tehran: Amir Kabir.
- Saeedi Roshan, Mohammad Baqer. (2006). *The Quran, Gradual Revelation, and Transhistorical Presence: An Analytical Study on the Epistemological Foundations of Historical Adaptation with the Divine Word*. *Philosophical-Theological Researches*, No. 28, pp. 6-30.
- Torkaman, Mohammad. (1997). *Collection of Articles, Letters, and Declarations of Sheikh Fazlollah Nouri*. Tehran: Rasa.
- Tuck, Richard. (1997). *Hobbes*. Translated by Hossein Bashiriyeh. Tehran: Tarh-e No.
- Vincent, Andrew. (1999). *Modern Political Ideologies*. Translated by Morteza Saqebfar. Tehran: Ghoghnoos.
- YarMohammadi, Lotfollah. (2004). *Current and Critical Discourse Analysis*. Tehran: Hermes.
- Jorgensen, Marianne & Phillips, Louise. (2014). *Discourse Analysis: Theory and Method*. Translated by Hadi Jalili. Tehran: Nashr-e Ney.